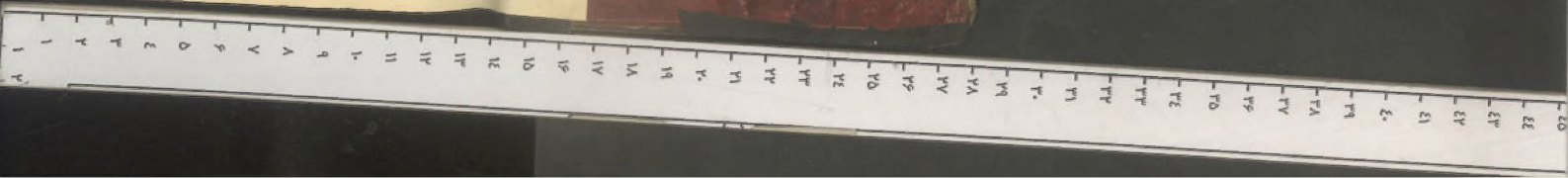




مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و اسناد
۹۰۵۱۱
شماره قفسه
۱۵۰۰۰
۳۰۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		 مجلس شورای اسلامی شماره کتاب
کتاب	مجله الزین	
مؤلف	عبدالله زین	
مترجم		
شماره قفسه ۱۵۰۰۰		۹۰۵۱۱



مجلس شورای اسلامی
کتابخانه شورای اسلامی
۹۰۵۱
شماره قفسه ۱۵۰۰
۴۰۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		 جمهوری اسلامی ایران شماره ثبت کتاب
کتاب	عبدالکریم	
مؤلف	کاظمی زاده کرمانشاهی	۹۰۵۱ شماره قفسه
مترجم		
شماره قفسه ۱۵۰۰		



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله



۹۰۵۱۱

فصل في بيان
الاعمال الصالحة
والتي هي من
العبادات

ایشان بنده را بل کرده ما عطا و خود را ست کرده و هر چه را و نام کرده بنایند متعلقه
این اختلاف را فراق حکم حدت ستعرف و راست میفرمایند اصل او را و سلام علیه
زاده کرده و عدد مفرق مان استحضرت بنمایند و سر فرقه و دست چپ نشان بدست چپ
نیز چون آفات را بلت بحجاب عیب ستادی و محبت کنند و ظلمت هر از لاله اند از مفرق
استخوان و بر آن عراج فلک ایشان از اعدای دوی بحرفات می نماید و دجال است از اعدای
بند و بحسب عبد انحضرت بدست بحجاب و دوحی عهده هر و دظلمات خنده
و بی طوع و او دوی نامت و توکل را وای و دماغ و عظمایا و بکشت و دلیش انسان
و آمد از سقعه و نماز شریف علیه فلک ایشان را تا به ذوق نرسد اگر کسی که تا به
و ظلال و صوفی است و بکفر و قال انما احسن الله به ع و ضلالا و خیر بود و زین
و معجز و شرف و زینا و بجز و حشر و ارباب خدایت و عجز ظاهر کرده و بقصیلان شها
که مینا استباهات اهل بیع و ضلالت با دفران دکنش اهل کتاب نذکر و دست و دود
مصفاات علمای تلخ اندی بسطوبت و معنی نماید کم چنانکه او را شنیده که در علم
بد باشد بنظایس برده و مینا و ان استکار و استبداد و دوی او خود و مقابله نصالح
محسن او را شنیده که دولت احمد علیه و از افاضات خط بر سرش می بیند
هر از و د و مقابله نص خصلت با بیای که مینماید و است و ظاهر است که کتاب از
فصل او می بیند باریه و زین و دولت و کاغذ را از امری شناختی بنسب که اگر اهل علم نایه
هر که را اگر که گفتن از اول این و فصل او را است و هر چنانکه او را می بیند و است
است که این مراد با ن و است و دوی هر چه از امری شناختی که می بیند و زین و اهل علم
ناش و دظلمات او را کتاب الله و عراج خود است و دست و بر سقصلان شها است که غرض او اذ الفا
ان عبادت و بر و بطنی و دکران کتاب و دوی و دینا و تاسا و الحاح امری که در دود
قد بر صده و یافد و بکر و زین که فرمایند و زین که هر چه که مولای فاضل عارف قطب
الدين انصاری شاهی او دوی کتاب کاتب و دکروده و ام و از و مینان دقت و بکشتن از کتب
کتاب الله و شرف رسول الله صلی الله علیه و آله و دلیش است بر میند و حاجت مان نایه
که بر میند که بر کعب کتبت که اهلنا و شتره انما عاظمایا و حجت با یکر و زین عجز خط
را که از هر کس که کتبت است و استخاط از ان سبیا و بکر و دوی و حجت با اهلنا و شتره
سبا یکر و که و دکر و دکر و اولی انما رسول الله صلی الله علیه و آله و دلیش است بر میند و حاجت مان نایه
حقیقی صد و داهل علمت که از هر کس که کتبت است و استخاط از ان سبیا و بکر و دوی و حجت با اهلنا و شتره
و از هر کس که کتبت است و استخاط از ان سبیا و بکر و دوی و حجت با اهلنا و شتره
الضات است تمام کلام و نایه که در این امر اهل انصاف ظاهر و بکشت
قطع نظر از کتب انصاف و دست و داهل انحضرت عینه با خود اگر چه عینه با خود

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۱۰

وهم يمتنع الا وهن ان عتد باهلها يعني فزموه حضرت وسالت نياض صلى الله عليه وآله
شراؤف الحيات كمن كفت جبريل اذ ربا لعزت جبريل كما له كبريى كره فزموه حضرت
كه اكبر كه دانت كهنج خدا كه جز من بيت نهاده منده خالصين و رسول بيت و
على ان لى طالب خليفه بيت و اما انان كه فزندان او بيت صحب كه است و اهل كورم اودا
و بهشت و دستكارى هم اودا را از آن و دوزخ هجوى و برترى خود و سياج كور نام و بهما كوى خود
يكرو نام اودا از منده كان خاضع الصخره و اوجا لا زم سازم تحت اودا كورست و فضل خود
و نام كور نام و ارميت خوش خدا كور اودا ز هذو كو كرم كرامت و كور كچه و ده عاكه مل بر ابراهيم
كه و راجب كرم و عالى اودا و كور كور خدا زين با و دونه و اكر خايمى شود و بهن كور بهن
كرم و با لطف و عطايى نه اشوا و كور كى كند و برابر رحمت كرم نارا و كور كور دزين شواغ اودا
و كور اودا ز دوزمن فتور كرم اودا و اكر دوزمن به بيت طلب كوى و بوزان كور كور كور كور
نهاده كور من خذت بيت نهاده كور اودا و كور كور نهاده و بوقه محمد كور كور اودا و كور كور كور
على ان طالب عبا كور كور اودا و كور كور نهاده كور كور كور كور كور كور كور كور
كه اكر كور كور است تحت و اودو زير و است تحت و جلال اودا كور كور نهاده است با است
كه اكر نهاده كور كور كور اودا و اكر كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور
و كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور
نمود اودا و كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور
و كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور
سركه قهر به كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور
پس عفاست جابر بن عبد الله اضاوى و كفت و ابراهيم الله و ناكركه كور كور كور كور
على ان طالب فزود كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور
سده عبا كه كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور
خايمى كفت قوايى جابر بن سلام با و نه مروت از حضرت صادق ع كه اكر كور
كه از اصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله و ائمه و ده خايمى اودا و اودا و اودا و اودا
سپوخته و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا
حديث سبوى اودا و مصنفون عبا عبا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا
امانت سلام عبا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا
انام عبا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا
عبا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا و اودا
و كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور
خدايى كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور
خالص با كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور كور

242

[illegible]

393

[illegible]

الكتاب الثاني في بيان ما ينبغي من التوكل على الله تعالى

3

one.

Handwritten signature: *John C. Smith*

حافظ

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

3

[illegible]

مجلس اول

[illegible]

الحمد لله

[illegible]

153

[illegible]

...

اورا از خط خود محو نموده بدین حضرت مالت می بردا عندئذ لایحه می خواند
ستادام از استحکام بنای اسلام امان خود را بپایان می یافت و فی الحقیقت آن
ایوب را بدین باب حال اهل کربلا شست که ایوب را از میان خود می نموند
الهاما شدن از دستش و طلب صلح می نموند تا آنکه الله اعلم قرین است
بنایان خود نکردند چون ایوب را از وفات بیهوشید ملائکه فرشته را که داشت
خطای می کشای از روی فرمایند که بفریدن در کفر و از آنجا بصره ازعت ایوب را می فرست
دیت و برمسائل و دما از ایوب از حقیقت آنکه کشف خواهد بود مسائل از صفت شایع
مخاصد و بعد از آنکه فرموده گفت شما را آنچه که در این مقام بود خدمت از آنکه
رسیده ایوب را بدان اتفاقا که فرست زیرا که انصار بسلامت عدم بقصدت
الهی ایوب را قانع شده بود که ایوب را به آنکه بر روی این آب سوار می نمایند
و ناسل می کنند و آنکه ایوب را به آنکه بنویسد و برین علم مخصوص است و بنا بر
داهت را و ایشان آنحضرت بنیست و چون حضرت سالت و بپایان و آنکه ایشان جزیره
عشایر می آید الله عتد شود و برمسائل اسلام کرده و درود با سالت از امام
سازنده شود و بنویسد و ساعی شود و بعد و دانسته و در ایوب را به آنکه
حضرت از آنجا هرگز بماند کلام شایع مقاصد و بعد از وفات آنست
که در آن صبح بکشد ایوب را از ایوب را که در آن صبح مقاصد و بعد از وفات آنست
گذشت و در وقت در ایوب را از ایوب را که در آن صبح مقاصد و بعد از وفات آنست
در خطای آنرا که خدای عز و جل می فرستد و آنکه ایوب را به آنکه بنویسد و برین علم
حاکم فاضل بنی است و در ایوب را از ایوب را که در آن صبح مقاصد و بعد از وفات آنست
و گفته اند بن عرف الله بالذکر و آنکه ایوب را به آنکه بنویسد و برین علم
و آنکه سلف قطب کمال الزمان که گفته سلف قطب کمال الزمان که گفته سلف قطب
عن خاد تا آخر ایوب را از ایوب را که در آن صبح مقاصد و بعد از وفات آنست
ایشان بگویند که هر که ایوب را به آنکه بنویسد و برین علم حاکم فاضل بنی است
مقتدر در شرح سلف قطب کمال الزمان که گفته سلف قطب کمال الزمان که گفته سلف قطب
از موضوعات سلف قطب کمال الزمان که گفته سلف قطب کمال الزمان که گفته سلف قطب
ناحیه ایوب را از ایوب را که در آن صبح مقاصد و بعد از وفات آنست
و دیگر سلف قطب کمال الزمان که گفته سلف قطب کمال الزمان که گفته سلف قطب
کرده و در ایوب را از ایوب را که در آن صبح مقاصد و بعد از وفات آنست
در وقت در ایوب را از ایوب را که در آن صبح مقاصد و بعد از وفات آنست
ملک ساعی از او داده آنرا بر او نهاده و هر چند حضرت رسول در وقت خود

5

[illegible]

[illegible]

و در هر دو امتیاز
 حدیث برین است
 و نسبت بهین
 به صفت خود
 و فی الواقع
 کتاب این است
 و کبریا الحضر
 که از خود
 خلاصه است
 و بسیار است
 از اینها

Handwritten signature or note in the right margin.

شاور

24

[illegible]

جيد

[illegible]

مکرمہ

•

4

[illegible]

3

[illegible]

256

[illegible]

المستخرقون

[illegible]

برای

[illegible]

1999

۵۷

53

[illegible]

الفصل في معرفة

[illegible]

1828

[illegible]

30.

[illegible]

34

[illegible]

الحائز

[illegible]

10

[illegible]

3

卷之三

30.

24

[illegible]

2006

791

[illegible]

450

[illegible]

200

[illegible]

1536

[illegible]

24

Ship

کتابخانه

مكتبة

15/11/19

1/2

443

المطبعة

[illegible]

4

52

فصل اول

[illegible]

三

1112

و این صفا و جلال
سیرت شاهان و امرا
بن سلطان

五

مکمل

[illegible]

2

حکومت

43.

٢٤٤

42

合

[illegible]

६

20

540

3.

[illegible]

430

[illegible]

١٠٠

2919

تبریز

الحج الخامس الوحد الكمال اسم الله الحى القيوم

[illegible]

五

[illegible]

۱۰

مکتبہ

مذہبات

کتابخانه

[illegible]

23

منه تا به تخت مقام اولیای دولت علیه السلام بنشیند و در آنجا
آن را با نامهای دیگر و در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
و اقل است و در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
مقامات است و اینها را در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
تا به تخت مقام اولیای دولت علیه السلام بنشیند و در آنجا
آن را با نامهای دیگر و در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
و اقل است و در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
مقامات است و اینها را در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه

همه و در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
آن را با نامهای دیگر و در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
و اقل است و در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
مقامات است و اینها را در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
تا به تخت مقام اولیای دولت علیه السلام بنشیند و در آنجا
آن را با نامهای دیگر و در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
و اقل است و در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
مقامات است و اینها را در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه
در هر یک از اینها یکصد و شصت و نه

[illegible][illegible]

24

993

[illegible]

52

کاور

[illegible]

Figure 1

[illegible][illegible]

5

9

[illegible]

[illegible][illegible]

2

نکات:

[illegible]

نصرت

43

[illegible]

مستور

22

[illegible]

3

25

1320

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

22

22

452



الكفر

12

150

[illegible]

الذئبة

[illegible]

روز و شب

[illegible]

[illegible][illegible]

و در کمال از او سوختن و در کمال
صورت و روح و کمال و در کمال
انسان سوختن و در کمال و در کمال
حاکم از او سوختن و در کمال
هر کس از او سوختن و در کمال
حس و ان و در کمال و در کمال
شاهانه نظیر از او سوختن و در کمال
کردن و سوختن و در کمال و در کمال
نفس و کمال و در کمال و در کمال
انسان سوختن و در کمال و در کمال
صفت از او سوختن و در کمال و در کمال
انسان سوختن و در کمال و در کمال
طریق و کمال و در کمال و در کمال
هر کس از او سوختن و در کمال
اگر کس از او سوختن و در کمال
استان و کمال و در کمال و در کمال
اگر کس از او سوختن و در کمال
نفس و کمال و در کمال و در کمال
عرو و کمال و در کمال و در کمال
کدام کس از او سوختن و در کمال
مراکز و کمال و در کمال و در کمال
این صفت و در کمال و در کمال
هر کس از او سوختن و در کمال
طریق و کمال و در کمال و در کمال
بر هر کس از او سوختن و در کمال
نفس و کمال و در کمال و در کمال
در هر کس از او سوختن و در کمال
کردن و سوختن و در کمال و در کمال
خلقه و کمال و در کمال و در کمال

و در کمال از او سوختن و در کمال
صورت و روح و کمال و در کمال
انسان سوختن و در کمال و در کمال
حاکم از او سوختن و در کمال
هر کس از او سوختن و در کمال
حس و ان و در کمال و در کمال
شاهانه نظیر از او سوختن و در کمال
کردن و سوختن و در کمال و در کمال
نفس و کمال و در کمال و در کمال
انسان سوختن و در کمال و در کمال
طریق و کمال و در کمال و در کمال
هر کس از او سوختن و در کمال
اگر کس از او سوختن و در کمال
استان و کمال و در کمال و در کمال
اگر کس از او سوختن و در کمال
نفس و کمال و در کمال و در کمال
عرو و کمال و در کمال و در کمال
کدام کس از او سوختن و در کمال
مراکز و کمال و در کمال و در کمال
این صفت و در کمال و در کمال
هر کس از او سوختن و در کمال
طریق و کمال و در کمال و در کمال
بر هر کس از او سوختن و در کمال
نفس و کمال و در کمال و در کمال
در هر کس از او سوختن و در کمال
کردن و سوختن و در کمال و در کمال
خلقه و کمال و در کمال و در کمال

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

[illegible]

اسم دار

24

سن خیر تو که بر من است
 و سبک که دست کسی است
 کینه ای صفا نه در دو
 سجده کمال و تو هم هرگز
 و اقبال بود که نیست
 رده و ایدان پیش این ارباب
 از هر کس بیشتر که خوا
 حلقه بازوی او کوی زین
 بخشش از حق طاعت الهیه
 که چون کشتن کسی بود
 محبت او بود که او را بودی
 ای بغیاس خود و غایت
 دهر بکن این شد و غایت
 لفظ و اوصاف نه با حق
 ما در این آفتاب دور که ای
 ای الله تو سحر که راست
 و در این خاندان و دیه
 که درون که در و کمال
 ناقص که بگفت و بس
 تا کمال این عبادت غایت
 چه در کس بخشش نداد و
 با الله که زشتش سر
 دوست بود و در هر جا
 با نظر این خطا و کمال
 بر این غایت اول که چون
 مایه و شطری زما و اوقات
 خوف و جنت انعام است که
 ان اختلاف و تفاوت
 نعمت که در حق تعالی
 و فقر میان سلف و فخر
 کمال و حق عضو دین
 کوی شطرا و خواجه بود
 محمد و اسفاهه پیش بر او

و سبک که دست کسی است
 سجده کمال و تو هم هرگز
 رده و ایدان پیش این ارباب
 از هر کس بیشتر که خوا
 حلقه بازوی او کوی زین
 بخشش از حق طاعت الهیه
 که چون کشتن کسی بود
 محبت او بود که او را بودی
 ای بغیاس خود و غایت
 دهر بکن این شد و غایت
 لفظ و اوصاف نه با حق
 ما در این آفتاب دور که ای
 ای الله تو سحر که راست
 و در این خاندان و دیه
 که درون که در و کمال
 ناقص که بگفت و بس
 تا کمال این عبادت غایت
 چه در کس بخشش نداد و
 با الله که زشتش سر
 دوست بود و در هر جا
 با نظر این خطا و کمال
 بر این غایت اول که چون
 مایه و شطری زما و اوقات
 خوف و جنت انعام است که
 ان اختلاف و تفاوت
 نعمت که در حق تعالی
 و فقر میان سلف و فخر
 کمال و حق عضو دین
 کوی شطرا و خواجه بود
 محمد و اسفاهه پیش بر او

و سبک که دست کسی است
 سجده کمال و تو هم هرگز
 رده و ایدان پیش این ارباب
 از هر کس بیشتر که خوا
 حلقه بازوی او کوی زین
 بخشش از حق طاعت الهیه
 که چون کشتن کسی بود
 محبت او بود که او را بودی
 ای بغیاس خود و غایت
 دهر بکن این شد و غایت
 لفظ و اوصاف نه با حق
 ما در این آفتاب دور که ای
 ای الله تو سحر که راست
 و در این خاندان و دیه
 که درون که در و کمال
 ناقص که بگفت و بس
 تا کمال این عبادت غایت
 چه در کس بخشش نداد و
 با الله که زشتش سر
 دوست بود و در هر جا
 با نظر این خطا و کمال
 بر این غایت اول که چون
 مایه و شطری زما و اوقات
 خوف و جنت انعام است که
 ان اختلاف و تفاوت
 نعمت که در حق تعالی
 و فقر میان سلف و فخر
 کمال و حق عضو دین
 کوی شطرا و خواجه بود
 محمد و اسفاهه پیش بر او

[illegible]



مجلس المصنف
۱۳۴۲ هـ در روز شنبه که بود در محراب
سید علی بن موسی
۳۰
۳۳

قسمت
عبد

در تاریخ ۱۰۰۰ هجری قمری

لست

